

تحول جایگاه نفت و تسلیحات در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی (۲۰۰۹-۲۰۱۹)

سیدسعید میرترابی حسینی^۱؛ ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۲؛ غلامرضا کریمی^۳؛ غلامعلی مرادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱۱/۱۵

چکیده

روابط دو کشور عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا که دارای منافع غیرهم‌سو با جمهوری اسلامی ایران می‌باشند، یکی از مسائل مهم و مورد توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران امنیت کشور بوده است. در همین راستا پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نظریه حامی - پیرو به این سوال پاسخ دهد که بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ چه تحولاتی در جایگاه نفت و تسلیحات در رابطه ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی ایجاد شده است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد آمریکا با افزایش تولید نفت و تنوع بخشیدن به سبد خرید نفتی خود در حال کاهش وابستگی به نفت عربستان می‌باشد. در عین حال این کشور تلاش دارد ضمن کاهش هزینه‌های امنیتی خود در منطقه، با افزایش فروش تسلیحات به عربستان و افزایش وابستگی آن‌ها در این زمینه، نقش این کشور را از تامین‌کننده نفتی به تنظیم‌کننده بازار انرژی سوق دهد. از سوی دیگر سعودی‌ها هم با درک این موضوع که نیازمندی آمریکا به نفت در حال کاهش است و ضمن تردید در تعهد آمریکا به حفظ امنیت کشورشان، با افزایش خرید تسلیحات از آن کشور و نمایش قدرت در بازار بین‌المللی انرژی، به دنبال ایجاد مزیتی دیگر برای آمریکا و جلب حمایت و تداوم اتحاد با ایالات متحده می‌باشند.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا، نفت، تسلیحات نظامی، امنیت.

۱- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

۲- استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

۳- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

۴- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی و نویسنده مسئول (رایانامه:

مقدمه

روابط ایالات متحده آمریکا با کشورهای حوزه خلیج فارس همیشه مورد توجه کارشناسان، دولت‌مردان و تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران بوده است. یکی از این کشورها عربستان سعودی است که به‌عنوان مهد تمدن اسلام و دارنده بزرگترین منابع نفت جهان شناخته می‌شود. ظهور عربستان سعودی به‌عنوان یک بازیگر دولتی تحت رهبری «ملک عبدالعزیز» مقارن شد با خیزش ایالات متحده آمریکا برای کسب جایگاه قدرت جهانی در نظام بین‌الملل؛ حرکتی که در زمان جنگ جهانی اول و سپس در جنگ جهانی دوم ادامه یافت و در پایان جنگ به‌عنوان یکی از دو قدرت برتر نظام بین‌الملل شناخته شد.

روابط دو کشور با ملاقات فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا و ملک عبدالعزیز بنیانگذار دولت سعودی در چهاردهم فوریه ۱۹۴۵ بر روی ناو جنگی «کوئینسی» در کانال سوئز، به‌طور رسمی آغاز شد. نتیجه این ملاقات، افتتاح دفتر دیپلماتیک آمریکا در جده و توسعه روابط همه‌جانبه از جمله موافقتنامه نظامی ۱۹۵۱ بود. این اتحاد زمینه‌ساز دسترسی باز و آزاد به نفت عربستان سعودی توسط آمریکا شد و در مقابل آمریکایی‌ها خانواده پادشاهی را در مقابل هر دشمنی، چه داخلی و چه خارجی مورد حمایت قرار می‌دادند (زنوس^۱، ۲۰۰۳).

روابط دو کشور پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به‌علت تابعیت عربستانی اکثر هوایماربایان و گسترش اعتراضات در سطح افکار عمومی ملتهب شد. تبلیغات ضدسعودی در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۴، شدت گرفت و حتی دموکرات‌هایی چون جان کری، به انتقاد از ارتباط جرج دبلیو بوش با عربستان سعودی پرداختند و خواستار استقلال انرژی آمریکا از عربستان شدند (دیومد^۲، ۲۰۰۱). این وضعیت در زمان دولت اوباما هم ادامه پیدا کرد و مقارن شد با افزایش قیمت نفت و سرمایه‌گذاری عظیم آمریکایی‌ها جهت استخراج نفت شیل. سال ۲۰۱۰ نقطه عطف کلیدی برای تولید نفت شیل در آمریکا بود. تولید نفت خام آمریکا پس از چهار دهه کاهش از دوره اوج در سال ۱۹۷۰، شروع به افزایش کرد (اداره اطلاعات انرژی آمریکا^۳، ۲۰۱۵).

این مسئله زمانی اهمیت پیدا کرد که تولید نفت شیل آمریکا طی سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشت و میزان ذخایر نفت شیل آمریکا بالغ بر ۵۸ میلیارد بشکه تخمین زده شد. همچنین با احتساب ذخایر نفت شیل میزان ذخایر نفتی قاره آمریکا به میزان ۳۴ درصد کل ذخایر نفت جهان

1 - Zenus
2 - Dumde
3 - EIA

و درست پس از خاورمیانه با ۴۰ درصد ذخایر نفت جهان در رتبه دوم قرار می‌گیرد (نادعلی و نصیری، ۱۳۹۴). از سوی دیگر عربستان مهم‌ترین واردکننده تسلیحات و تجهیزات نظامی از ایالات متحده آمریکا می‌باشد که از این طریق سود هنگفتی به حساب شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی این کشور وارد می‌شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی سیستم دو ستونی، سعودی‌ها به اصلی‌ترین متحد آمریکا در منطقه در طول سه دهه گذشته تبدیل شدند. همکاری‌های نظامی دو کشور در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ به اوج رسید. هرچند حوادث یازده سپتامبر و موج احساسات ضدعرب اندکی روابط دو کشور را تیره کرد، اما منافع آمریکا به‌خصوص خرید نفت ارزان و فروش تسلیحات گران قیمت به عربستان بیش از بها دادن به چنین احساساتی بود. حتی با وجود کمتر شدن وابستگی به نفت عربستان، به واسطه استخراج نفت شیل در آمریکا و کاهش پنجاه درصدی خرید نفت از عربستان، بازار داغ فروش اسلحه برای آمریکا همچنان وسوسه‌انگیز و سودآور می‌باشد (ساکالسکی و شاپیرو^۱، ۲۰۱۶). در طی سال‌های اخیر و هم‌زمان با تلاش‌های عربستان جهت افزایش بازیگری در مناقشات منطقه، واردات تجهیزات نظامی و سلاح‌های مدرن توسط این کشور چندین برابر افزایش یافته است.

بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که فروش سلاح به عربستان یک تجارت کلان در ایالات متحده است. تنها در دولت‌های بوش و اوباما، کل فروش ایالات متحده به عربستان نزدیک به ۹۷ درصد افزایش یافت. در دوران اوباما چیزی در حدود ۱۱۵ میلیارد دلار از محل فروش اسلحه عاید آمریکا شد (جعفری‌ولدانی و آسمانی، ۱۳۹۶: ۹۵). هم‌زمان با به قدرت رسیدن ترامپ، با توجه به رویکر تاجرمانانه وی و تمایل سعودی‌ها برای جلب توجه دولت آمریکا، خریدهای تسلیحاتی عربستان از آن کشور یکباره اوج گرفت که در نتیجه آن بزرگترین قرارداد تسلیحاتی در تاریخ روابط دو کشور رقم خورد.

در بررسی روابط دو کشور، دو متغیر کلیدی نفت و تسلیحات حائز اهمیت است که هر کدام اهمیت به‌سزایی در تداوم و استحکام این رابطه دارند. به‌نظر می‌رسد آگاهی از تحول عوامل تاثیرگذار و به‌خصوص فهم دقیق جایگاه نفت و تسلیحات در روابط دو کشور عربستان سعودی به‌عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرت جهانی که داری منافع غیرهم‌سو با جمهوری اسلامی ایران می‌باشند، موضوع بسیار مهمی است و

اثبات شده‌ای می‌باشد.

سوالی که در این پژوهش مورد تاکید است این است که افزایش تولید نفت آمریکا از محل ذخایر نفت شیل، چگونه بر جایگاه نفت و تسلیحات در روابط این کشور با عربستان در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۹ تأثیر گذاشته است؟

فرضیه پژوهش در پاسخ به سوال فوق به این صورت قابل بیان می‌شود که افزایش تولید نفت آمریکا از محل ذخایر نفت شیل در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۹، از طریق کاهش وابستگی ایالات متحده به نفت عربستان، معادله نفت در برابر امنیت را پس از چندین دهه به زیان عربستان تغییر داده که در نتیجه افزایش هزینه ریاض در قالب خرید بیشتر سلاح و کاهش هزینه واشنگتن در قالب کاهش هزینه‌های امنیتی در منطقه خاورمیانه را به‌همراه داشته است.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود ضمن بررسی نقش منابع انرژی عربستان سعودی و همچنین تسلیحات آمریکایی در روابط دو کشور، تأثیرپذیری هر کدام از این مولفه‌ها از افزایش تولید نفت آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ میلادی مورد واکاوی قرار داده شود تا از این راه به فهم بهتری از تحولات در روابط دو کشور دست پیدا نمود.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش نظریه حامی - پیرو می‌باشد. این رابطه در قرن پنجم قبل از میلاد در رم باستان میان برده آزاد شده و ارباب سابق رواج داشته است. در این رابطه برده پس از آزادی همچنان در برخی مسائل هم‌چون مسائل سیاسی و قضایی تابع و پیرو ارباب سابق خودش باقی می‌ماند و ارباب نیز از وی حمایت می‌کرد (اسکات، ۱۹۷۲: ۸۶). رابطه حامی - پیرو^۱ رابطه‌ای است که در آن یک فرد، گروه و یا کشور در ازای به‌دست‌آوردن منافعی از فرد، گروه و یا کشور دیگر حمایت سیاسی و امنیتی می‌کند. در این رابطه هر دو طرف سود می‌برند، اما این سود به‌علت نامتوازن بودن قدرت طرفین، نامتقارن است و یک طرف بیش از طرف دیگر منفعت می‌برد (چنداوارکار^۲، ۱۹۹۳: ۱۵).

1- Client - patron
2- Chan davarkar

الف) عناصر اصلی نظریه

۱) تعامل ابزاری و دوستانه: جیمز اسکات^۱ در تعریف این رابطه می‌گوید:

«رابطه حامی پیرو یک رابطه متقابل است که در آن، طرفی که دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری است، از منابع و نفوذ خود در جهت حفاظت از طرف دیگر، که از جایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری برخوردار است، استفاده می‌کند. این رابطه دوستانه، تا حد زیادی ابزاری است» (اسکات، ۱۹۷۲: ۹۲).

۲) تعهد و تداوم: این رابطه، در طول زمان تداوم داشته و مبتنی بر صمیمیت دوجانبه، تعهدات اخلاقی و اعتماد دوجانبه بوده است (لنده، ۱۹۷۷: ۳۶). کشور پیرو در این رابطه نمی‌تواند در برابر امتیازاتی که دریافت کرده، به‌طور کامل عمل متقابلی را انجام دهد.

۳) اتحاد نابرابر: کارل لنده^۲ رابطه حامی - پیرو را اتحادی دوطرفه می‌داند که طرفین این رابطه از لحاظ قدرت یا منابع، موقعیتی نابرابر نسبت به یکدیگر دارند و از سویی دیگر هر دو طرف برقراری اتحاد با طرف دیگر را مفید می‌داند (لنده، ۱۹۷۷: ۲۰). احساس عدم امنیت و آسیب‌پذیری از مهمترین عوامل در ایجاد رابطه حامی - پیرو است که باعث ظهور حامی به‌عنوان ضامن امنیت می‌شود (چنداوارکار، ۱۹۹۳: ۲).

این رابطه با انواع دیگر اتحادهای دوجانبه و یا روابط وابستگی تفاوت دارد؛ چراکه مبنای این رابطه، تبادلات امنیتی و نظامی و ماهیت آن نیز داوطلبانه و مستمر است. کشور پیرو بایستی توانمندی نظامی پایین‌تری از کشور حامی داشته باشد، به‌نحوی که در چارچوب معادله نفت و امنیت؛ تحلیل روابط عربستان و آمریکا، کشور پیرو برای امنیت و بقای خودش وابسته به حامی می‌باشد و ماهیت نقل و انتقالات امنیتی در آن نیز صرفاً یک‌طرفه است. همچنین نقش پیرو در رابطه با رقبای حامی اهمیت دارد؛ کشور پیرو باید امتیاز و منفعتی را به کشور حامی در مقابله با رقبایش بدهد (لنده، ۱۹۷۷: ۱۷).

ب) اهداف

۱) بازیگر حامی: اهداف حامی از پیوستن به این نوع رابطه این است که علاوه بر اینکه برتری‌هایی را در مقابل رقبایش به‌دست آورد با کنترل قسمت‌هایی از سرزمین کشور پیرو بتواند توانمندی نظامی خود را نیز افزایش دهد. در واقع کشور حامی با به‌دست گرفتن این مناطق می‌تواند پایگاه‌ها

و تأسیسات نظامی برای خودش تأسیس کند که این خود همچنین از استفاده رقبای حامی از سرزمین پیرو جلوگیری می‌کند. کشور حامی اهداف مهم دیگری را نیز دنبال می‌کند؛ منافع ایدئولوژیک، همبستگی بین‌المللی و منافع راهبردی (اسکات، ۱۹۷۲: ۹۱).

(۲) بازیگر پیرو: مهم‌ترین هدفی که کشور پیرو در این رابطه دارد عبارت است از پشتیبانی امنیتی، حقوقی و حتی غذایی و مالی از طرف کشور حامی (چنداوارکار، ۱۹۹۳: ۲).

ج) اصول راهبردی و سناریوهای عملیاتی

با توجه به نظراتی که در مورد رابطه حامی - پیرو گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که این رابطه بر دو اصل مهم استوار است: مزیت‌ها برای کشور قدرتمند: اصل اول: تضمین وجود. اصل دوم: تضمین حفظ امنیت برای کشور پیرو.

تزلزل هر کدام از این دو عامل می‌تواند منجر به از بین رفتن رابطه حامی - پیرو شود و یا اینکه اساس آن را تغییر دهد. برای مثال فرض می‌کنیم که در یک رابطه حامی - پیرو، کشور B (پیرو) دارای مزیتی X برای کشور A (حامی) باشد؛ در صورتی که اهمیت X برای کشور A از بین برود، احتمال وقوع سه سناریو می‌رود:

سناریو ۱: کشور B به دنبال مزیتی دیگری که برای کشور A دارای اهمیت است حرکت کند. در این مورد ممکن است که کشور A برای ادامه دادن این رابطه، هزینه‌ای گزاف را تقاضا کند.

سناریو ۲: کشور B به دنبال کشور حامی دیگری برای تضمین امنیت خودش حرکت کند.

سناریو ۳: کشور B به فکر رفع وابستگی امنیتی خود از کشور حامی بیفتد که در این حالت رفع وابستگی ممکن است در کوتاه‌مدت اتفاق نیفتد. لذا کشور B تصمیم بگیرد در کوتاه‌مدت در عین حفظ رابطه با کشور A یا یک کشور حامی دیگر و با کمک ایجاد یک مزیت دیگر، در بلندمدت به دنبال رفع وابستگی یا کاهش وابستگی از کشور حامی باشد.

اساس این رابطه، امنیتی است و شرط بقای آن هم، بقای آن مزیت است. حال اگر فرض کنیم که آن مزیت برای دولت قدرتمند از بین برود و یا اهمیت آن کاهش یابد، کشور پیرو باید مزیتی دیگری را برای حفظ این رابطه مهیا سازد و یا راهکاری غیر از این رابطه را برای تأمین امنیت خود درپیش گیرد. علت استفاده این پژوهش از چارچوب نظری حامی - پیرو برای بررسی رابطه آمریکا و عربستان آن است که در یک بررسی تاریخی می‌توان متوجه شد که از ابتدا، رابطه میان این دو کشور، بر اساس مبادله نفت در برابر امنیت بوده است. از یک طرف آمریکا نیازمند نفت

عربستان و نقش این کشور در بازار انرژی بوده است و از طرفی دیگر عربستان نیز به دلایل امنیتی و ساختار حکومتی خود، نیازمند آمریکا بوده است. رابطه نفت در برابر امنیت دقیقاً آن چیزی است که در قالب نظریه حامی - پیرو فهم می‌شود. همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد، رابطه آمریکا و عربستان را می‌توان در قالب سناریوی سوم مورد بررسی قرار داد. با توجه به اهمیت راهبردی نفت و اهمیت مسئله انرژی برای دولت آمریکا، رابطه حامی - پیرو آمریکا و عربستان از همان ابتدا بر اساس معادله نفت در برابر امنیت پایه‌ریزی شده است و حامی از همان ابتدا سعی نموده است در قبال حمایت امنیتی و نظامی از پیرو، امنیت انرژی خود را نیز تضمین کند.

پیشینه‌شناسی پژوهش

مطالعاتی که به پژوهش حاضر نزدیک می‌باشند، به شرح زیر بیان می‌گردند: کتاب «سیاست نفت و امنیت: عربستان سعودی ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۲» نوشته اسلام قاسم^۱، بر رابطه نفت در برابر امنیت که استراتژی دولت عربستان بوده اشاره دارد و همچنین به رفتار این کشور در محیط داخلی و بین‌المللی تحت تاثیر قدرت ناشی از کسب درآمدهای نفتی پرداخته است (قاسم، ۲۰۱۶). با این حال اما کمتر به موضوع روابط سعودی‌ها و آمریکا به‌خصوص لایه‌های مختلف آن پرداخته است. این پژوهش سعی دارد ضمن بررسی تاریخی روابط آمریکا و عربستان، تاثیر مولفه‌های نفت و تسلیحات را نیز بر رابطه دو کشور مورد بررسی قرار دهد. کتاب «ضخیم‌تر از نفت: همکاری بی‌سابقه آمریکا با عربستان سعودی» نوشته راشل برانسون^۲ که تاثیر حملات ۱۱ سپتامبر بر روابط و همکاری پنجاه و پنج ساله آمریکا و عربستان اشاره دارد و معتقد است که این حادثه بر ادامه همکاری دو کشور تاثیر خواهد گذاشت (برانسون، ۲۰۰۶). تمرکز این کتاب بر تغییر رویکرد آمریکا نسبت به عربستان پس از سپتامبر ۲۰۰۱ قرار دارد و روابط نفتی - تسلیحاتی را تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار داده است. این پژوهش، وضعیت نفت و تسلیحات را در روابط دو کشور در یک روند تاریخی مورد توجه قرار داده است.

مقاله‌ای با عنوان «مثلث بقای دولت در عربستان: آمریکا، مذهب و نفت» به قلم حسین دهشیار چاپ شده در فصلنامه مطالعات خاورمیانه، به نقش و جایگاه نفت و آمریکا در حفظ ثبات سیاسی عربستان در مقابل موج اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی و بنیادگرایی پرداخته است (دهشیار، ۱۳۸۴). این

¹- Islam Y. Qasem

²- Rachel Bronson

اثر یک بررسی تحلیلی - توصیفی از نقش عربستان در فرآیند سلطه آمریکا بر جهان به‌طور عام و خاورمیانه به‌طور خاص ارائه داده که اعلام می‌دارد بقای دولت عربستان در اراده آمریکا است. پژوهش کنونی علاوه بر اینکه تاحدودی جایگاه مستقل و اثرگذارتری برای عربستان متصور است، دارای اهداف مشخص در خصوص محوریت روابط دو کشور نیز می‌باشد.

پژوهش دیگری انجام شده است با عنوان «نفت و امنیت؛ تحلیل روابط عربستان و آمریکا»، اثر ابوالفضل بابایی، چاپ شده در فصلنامه ره‌آورد سیاسی که نزدیک‌ترین پژوهش به پژوهش حاضر است. نویسنده در این مقاله به توصیف روابط عربستان و آمریکا بر مبنای رابطه نفت در برابر امنیت پرداخته و معتقد است که آمریکا برای تامین نفت خود و تامین ثبات در بازار انرژی نیازمند نفت عربستان بوده و عربستان نیز برای تامین امنیت خود به اتحاد و همکاری با آمریکا نیازمند است. نتیجه‌گیری این پژوهش مبنی بر از بین رفتن نقش راهبردی نفت برای آمریکا، ادعای سنگینی است، ضمن اینکه در پژوهش کنونی نیز به نوعی رد شده است.

در جمع‌بندی پیشینه‌های پژوهش می‌توان بیان نمود که هر یک از پژوهش‌های ذکر شده پیرامون عنوان پژوهش حاضر در واقع پاسخ به بخشی از سوال پژوهش حاضر بوده است، اما در هیچ‌کدام پاسخی دقیق و جامع جهت پرسش به‌خصوص در بازه زمانی موردنظر یافت نمی‌شود. بنابراین در این پژوهش تلاش خواهد شد با بررسی دقیق مولفه‌های محوری حاکم بر روابط دو کشور، یافته‌های علمی و مستدل ارائه گردد.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ به این ترتیب که ابتدا با استفاده از روش‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای به مطالعه کتب، مقالات و اسناد مرتبط با موضوع پرداخته و ضمن فیش‌برداری اطلاعات موردنظر گردآوری شده است. سپس با استفاده از روش توصیفی و با بهره‌گیری از اطلاعات گردآوری شده در قالب نمودار و جداول، ارزش و جایگاه نفت عربستان برای ایالات متحده آمریکا و میزان جذابیت تسلیحات آمریکا برای حکومت سعودی مورد بررسی قرار داده می‌شود. در ادامه با استفاده از روش تحلیلی، تغییر جایگاه هر یک از آن‌ها در بازه زمانی پژوهش یعنی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، در روابط دو کشور تعیین می‌گردد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

تاریخچه روابط ایالات متحده و عربستان سعودی

درک اهمیت استراتژیک نفت در سال آخر جنگ جهانی دوم، موجب چرخش سیاست آمریکا نسبت به عربستان سعودی و پاسخ مثبت به درخواست‌های ملک عبدالعزیز برای کمک‌های اقتصادی - نظامی گشت و در نتیجه زمینه مساعدی برای ایجاد یک رابطه حامی - پیرو بین آمریکا و عربستان به وجود آمد. در این راستا روزولت در ۱۸ فوریه ۱۹۴۳ میلادی قانون وام و اجاره را توسعه داد تا این قانون شامل کمک به عربستان گردد. سپس طی نامه‌ای به وزیر خارجه آمریکا خاطر نشان ساخت که «دفاع از عربستان امری ضروری برای دفاع از ایالات متحده آمریکاست و بر همین مبنا باید کمک‌های مالی طبق برنامه وام و اجاره به عربستان سعودی پرداخت گردد» (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۹۲).

پس از دستور روزولت، مقرر شد تا عربستان ظرف دو سال مبلغ ۳۳ میلیون دلار کمک نقدی و جنسی از آمریکا دریافت کند و این پرداخت‌ها غیر از درآمد نفت عربستان بود (آقایی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). آمریکا به‌عنوان قدرتی که کمترین آسیب را از جنگ دیده بود، توانست نقشی قدرتمندانه در عرصه بین‌الملل و به تبع آن در خلیج فارس ایفا نموده و به تدریج به‌عنوان قدرتی نوظهور وارد منطقه شد. بسیاری از کشورهای منطقه نیز منافع خود را در ایجاد پیوند استراتژیک با آمریکا تعریف نموده و بدین ترتیب امنیت کشورهای خلیج فارس از جمله عربستان با سیاست‌ها و اقدامات آمریکا در منطقه گره خورد.

در ابتدای سال ۱۹۴۷، دولت «هری ترومن»^۱ رسماً به عبدالعزیز اطمینان داد که حمایت از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عربستان سعودی هدف اصلی ایالات متحده است. عطف به این تعهد، در سال ۱۹۴۸ ناوگان آمریکا برای اولین بار وارد خلیج فارس شد و بدین ترتیب نمایندگی آمریکا در عربستان به سفارت تبدیل شد (مدنی، ۱۳۷۵: ۲۶۰).

معادله نفت در برابر امنیت

به‌منظور کشف نفت در عربستان، اولین بار عبدالعزیز با یک مهندس معدن نیوزیلند به نام «فرانک» در سال ۱۹۲۲ برای کشف نفت مذاکره نموده، اما به نتیجه‌ای نرسید. از آنجایی که عربستان نیز همانند سایر کشورهای خاورمیانه تحت نفوذ انگلیس قرار داشت، در گام بعدی شرکت نفت

بریتانیا به کشف نفت مبادرت ورزید؛ اما در سال ۱۹۲۸ به دلیل ناامید شدن از کشف نفت، قرارداد این شرکت نیز باطل شد (طاهری، ۱۳۹۳: ۲۲۳). در ادامه تجار آمریکائی که در رقابت با شرکت‌های انگلیسی بودند، تلاش کردند تا عبدالعزیز را به پذیرفتن خواسته‌هایش ترغیب نموده و تجار آمریکایی را بر انگلیسی‌ها اولویت دهد. «چارلز کربن»^۱ اولین آمریکائی‌ای بود که عبدالعزیز با او ملاقات نمود و نتیجه آن اعطای امتیاز به شرکت استاندارد اویل کالیفرنیا^۲ در تاریخ ۲۹ ماه مه ۱۹۳۳ میلادی بود (سعید، ۱۳۶۸: ۱۸۰).

قابل توجه آن‌که اعطای امتیاز نفت از طرف ابن سعود به تجار آمریکایی، حرکتی حساب شده برای وارد کردن آمریکا به صحنه سیاسی عربستان بود؛ بدین خاطر که عبدالعزیز پس از اتمام مذاکرات به نمایندگان شرکت گفت: «علت انتخاب آن شرکت در مقابل رقبای انگلیسی و ژاپنی این بود که وی می‌خواست روابط نزدیکتری با ایالات متحده پایه‌گذاری کند» (گریسون^۳، ۱۹۶۸: ۶).

شرکت استاندارد اویل به موازات سرعت بخشیدن به عملیات خود در عربستان، در سال ۱۹۳۴ «شرکت نفت تکزاس»^۴ را نیز به‌عنوان شریک خود وارد میدان کرد تا بتواند از یک‌سو هزینه‌های سنگین حفاری را تأمین کند و از سوی دیگر از امکانات و توانایی‌های بازاریابی آن برای فروش نفت خام استحصال شده کمک بگیرد. در نتیجه فعالیت این دو شرکت، برای اولین بار نفت در سال ۱۹۳۶ در عربستان کشف شد. با این حال نخستین کشف نفت در میزان تجاری، در سال ۱۹۳۸ در چاه شماره ۱ منطقه الدمام، واقع در چند مایلی شمال شهر ظهران به‌دست آمد (طاهری، ۱۳۹۳: ۲۲۴).

پس از آن «شرکت نفت آمریکایی - عربستانی: آرامکو»^۵ دولت آمریکا را تحت فشار قرار داد تا اقدام به برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان نماید. لذا در سال ۱۹۴۰ واشنگتن به درخواست آن‌ها پاسخ مثبت داد (سامپسون^۶، ۱۹۸۳: ۱۱۰) و سفیر آمریکا در این کشور در عربستان منصوب شد.

بدین ترتیب آرامکو حق انحصاری اکتشاف، استخراج، حمل‌ونقل، بازاریابی و فروش نفت عربستان را در دست گرفت (آقایی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). با توجه به نیاز آمریکا به نفت، در سال ۱۹۵۰

- 1- Charles Carbone
- 2- Standard Oil Co
- 3- Grayson
- 4- Texas oil co
- 5- Aramco oil co
- 6- Sampson



هری ترومن، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا کنترل این کشور را بر میدان‌های نفتی عربستان سعودی به‌مثابه اصلی ضروری در چهارچوب نبرد جهانی علیه کمونیسم تعریف کرد. درحالی‌که آمریکایی‌ها حمایت خود را از عربستان سعودی در برابر تهدیدات خارجی تضمین کرده بودند، به آموزش دستگاه نظامی این کشور پرداختند و به آن‌ها سلاح فروختند. در مقابل، سعودی‌ها نیز خودشان را ملزم دانستند که نفت کافی تولید کنند و آن را به قیمت معقول در اختیار آمریکا قرار دهند و بخش مهمی از درآمدهای نفتی را به نظام اقتصادی و بانکی جهان توسعه‌یافته، به‌ویژه ایالات متحده برگردانند (ایرتز^۱، ۲۰۰۷:۲۵۷).

همچنین طرفین در سال ۱۹۵۱ «موافقت‌نامه همکاری متقابل دفاعی» را امضاء نمودند که بر مبنای آن ایالات متحده تجهیزات نظامی و آموزشی نیروهای مسلح عربستان سعودی را تأمین نموده و مقرر شد تا نمایندگی دائمی آموزش نظامی در عربستان تأسیس شود (طاهری، ۱۳۹۳:۲۲۹).

در پی بالا گرفتن تنش میان مصر با اسرائیل، در ۵ ژوئن ۱۹۶۷، اعراب علاوه بر این که مایل بودند از ثروت عظیم عربستان به آن‌ها کمک شود، از این کشور می‌خواستند تا در مقابله با اسرائیل، نقش جدی‌تری برعهده گرفته و از اهرم نفت جهت فشار بر دنیای غرب و کنترل هرچه بیشتر دولت یهودی بهره‌برداری شود (الزرکلی، ۱۳۹۳:۴۴). در این راستا، عربستان علاوه بر اعزام نیرو، جریان نفت به غرب را موقتاً قطع کرد. اقدام عربستان، کمک روانی موثری به دخالت دنیای غرب در جلوگیری از پیشروی اسرائیل و پذیرش آتش‌بس کرده بود (کوردثمن^۲، ۱۹۷۱:۸۹).

با لغو تحریم‌های نفتی زمینه‌ای به‌وجود آمد تا خیل عظیم آمریکائیان برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های پرهزینه به طرف عربستان سرازیر شده و همچنین تأسیس واحدهای عظیم صنعتی نظامی در ینبوع (کنار مدیترانه) و در جبیل (شرق عربستان)، جده و ریاض، جاده‌های جدید، خطوط آهن، فرودگاه‌ها و خرید هواپیماهای جدید گران قیمت برای پرواز میان فرودگاه‌ها در برنامه قرار گرفت (آقایی، ۱۳۶۸:۱۵۱).

تسلیحات آمریکایی در برابر نفت سعودی

نیکسون^۳ رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۹ بیانیه سیاسی خود را که به «دکترین گوام»^۴ معروف

- 1- Aarts
- 2- Cordesman
- 3- Richard Nixon
- 4- Guam doctrine

شد؛ اعلام نمود که در چارچوب آن قدرت‌های کلیدی منطقه را مسئول حفظ امنیت منطقه خودشان معرفی نمود. بر این مبنای، در سال ۱۹۷۲ از تهران دیدار نمود که در چارچوب سفر مزبور یکسری توافق در مورد سلاح‌های مورد نیاز با شاه ایران به عمل آمد (امیری، ۱۳۷۳: ۳۲). بر مبنای سیاست جدید آمریکا که البته نیکسون آن را «سیاست دوستونی» نامیده بود، می‌کوشید دلارهای نفتی را با فروش سلاح به کشورهای جهان سوم به خزانه آمریکا بازگرداند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ۱۳۵۷ شمسی) و تخریب پایه‌های دکترین دو ستونی نیکسون، دو کشور عربستان و آمریکا که منافع خود را در منطقه با خطر انقلاب اسلامی مواجه می‌دیدند، تعامل راهبردی بیشتری با یکدیگر پیدا کردند. کارتر^۱ رئیس‌جمهور آمریکا در بخشی از سخنان خود تحت‌عنوان «پیام اتحاد» در ژانویه ۱۹۸۰، عملاً خود را حامی یک کشور مهم منطقه اعلام کرد. نشریه آمریکایی شیکاگو تریبون در تفسیری راجع به سخنان وی نوشت که کارتر متعهد شده بود تا از پادشاهی عربستان سعودی درست مثل یکی از ۵۰ ایالات خود در برابر حوادث داخلی و خارجی حمایت کند (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۳۴).

علاوه بر فروش هواپیماهای پیشرفته آواکس به عربستان، آمریکا در چارچوب تجهیز و تسلیح نمودن این کشور، طرح‌ها و برنامه‌های متعدد و پرهزینه‌ای در عربستان اجرا نمود که عبارتند از:

- طرح گسترده «سپر صلح» به‌عنوان سیستم پیشرفته در پدافند هوایی.
- برنامه «خورشید صلح» شامل آموزش، ایجاد تجهیزات دفاعی، پشتیبانی و فراگیری استفاده از جنگنده پر قدرت «اف. پانزده».
- سیستم دفاعی هوایی «هاوک» شامل تقویت سیستم موشکی هاوک به منظور حفاظت از مراکز جمعیتی، پایگاه‌های دفاعی و دسترسی به منطقه نفت‌خیز ناحیه شرقی.
- برنامه مدرنیزه کردن گارد ملی سعودی شامل مدرن‌سازی تشکیلات، آموزش، تجهیزات، ذخیره‌سازی و ارتباطات.
- برنامه مدرنیزه کردن ارتش سلطنتی شامل مکانیزه کردن دو لشکر پیاده نظام، فروش تانک، نفربرهای مسلح، توپخانه و دفاع هوایی.
- برنامه توسعه نیروی دریایی سعودی شامل مدرنیزه کردن و توسعه آن.
- طرح‌های ساختمانی وسیع در شهرک‌های مسکونی و صنعتی (آقایی، ۱۳۶۸: ۲۴۴-۲۴۳).

با آغاز پادشاهی فهد در سال ۱۹۸۲، روابط وی با ریگان رئیس‌جمهور آمریکا بسیار گسترده شد، تا جایی که در سال ۱۹۸۴ سفارت عربستان برای پیروزی ریگان در انتخابات دوم ریاست‌جمهوری، ۶۵ میلیون دلار هزینه پرداخت کرد. پس از موفقیت آمریکا در بیرون‌راندن نیروهای عراقی از کویت، ریاض مشتاقانه‌تر از گذشته به همکاری با ارتش ایالات متحده پرداخت و پایگاه‌های خود را در اختیار آمریکا قرار داد تا به گشت‌زنی در منطقه پرواز ممنوع در جنوب عراق بپردازد.

حمله القاعده به برج‌های تجارت جهانی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جهان را در بهت و حیرت فرو برد. نکته قابل توجه در این زمینه آن بود که «پانزده نفر از نوزده تروریست حادثه یازده سپتامبر، از شهروندان سعودی بودند» (الرویلی و بن هلول، ۱۳۶۸: ۳۸۵).

با وجود واکنش قابل ملاحظه افکار عمومی در آمریکا علیه عربستان و انتقادات تند برخی از دولت‌مردان آمریکا علیه سعودی‌ها، هنگامی که آمریکا در تدارک جنگ بود، عربستان تولید نفت خود را افزایش داد تا از افزایش قیمت نفت جلوگیری کند. آن‌ها همچنین به ایالات متحده اجازه دادند تا با استفاده از مرکز فرماندهی و کنترل در پایگاه شاهزاده سلطان واقع در جنوب ریاض، به هماهنگ کردن حملاتی علیه عراق بپردازند. علاوه بر آن، پایگاه‌های دور افتاده خود در شمال‌غربی، مجاور مرز عراق را در اختیار نیروهای ویژه آمریکا قرار دادند (پیروزیان و آدمی، ۱۳۹۰: ۵۵).

به‌طور کلی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا بعد از یازده سپتامبر و به‌خصوص مطرح ساختن طرح «خاورمیانه بزرگ» به دوره‌ای از سردی روابط آمریکا و عربستان و وقفه‌ای استراتژیک در تعاملات این دو کشور منجر شد و به دنبال شرایط و تحولات یادشده، مقامات سعودی درصدد ایجاد پیوند و روابط مستحکم‌تر با سایر قدرت‌های جهانی و آسیایی هم‌چون چین و پاکستان با هدف ایجاد توازن در سیاست بین‌المللی خود و تحکیم روابط با این کشورها به‌منظور کاهش وابستگی خود به آمریکا برآمدند.

با توجه به اقدام حاکمان سعودی، دولت‌مردان آمریکا برای حفظ منافع خود در منطقه و در عین حال مقابله با خطرات احتمالی عربستان، از نوعی سیاست «مواجهه نرم» استفاده نمودند. در این سیاست، آن‌ها با افزایش فروش سلاح به عربستان، توانستند اطلاعات و توان نظامی این کشور را تحت کنترل خویش درآورده و همچنین از تداوم همکاری فزاینده عربستان با کشورهای مثل چین و پاکستان ممانعت به‌عمل آوردند. در نهایت اینکه از تهدیدات احتمالی که از قدرت گرفتن عربستان متوجه اسرائیل می‌شد نیز جلوگیری کنند. تنها پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ بود که طرفین به سمت تقویت هرچه بیشتر روابط گام برداشتند و نتیجه آن

توافقی‌نامه‌های متعدد اقتصادی و قراردادهای کلان نظامی بود.

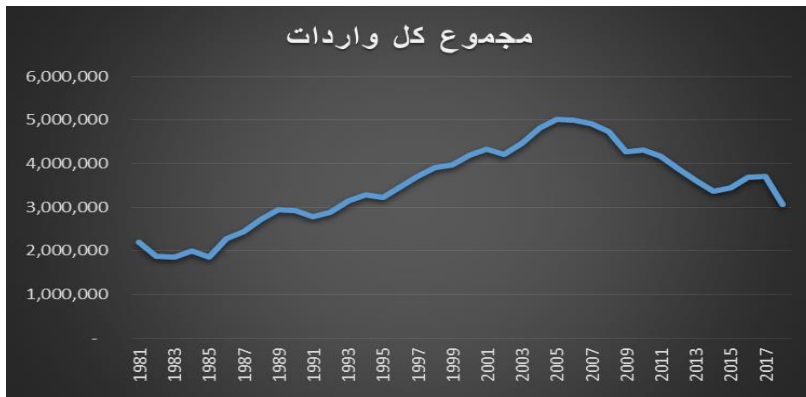
بررسی جایگاه نفت و تسلیحات در روابط دو کشور

برای مقایسه، ارزش‌سنجی و نتیجه‌گیری معتبر در باب مولفه‌های نفت و تسلیحات، روابط آمریکا و عربستان به دو دوره تقسیم شده است. دوره اول از ۱۹۵۰ تا پایان ۲۰۰۸ که از طرفی تقریباً شروع روابط جدی این دو کشور بوده و از طرف دیگر آمارهای رسمی نیز از این سال ثبت شده‌اند. دوره دوم نیز ظرف زمانی پژوهش حاضر است و از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ را شامل می‌شود. این تقسیم‌بندی امکان قیاس و تجزیه و تحلیل داده‌ها را افزایش داده و تایید یا رد فرضیه را میسر می‌سازد.

بررسی جایگاه نفت عربستان برای ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک کشور پیشرفته صنعتی علی‌رغم توان و ظرفیت بالای تولید نفت، یکی از بزرگترین واردکنندگان آن نیز می‌باشد. کل واردات نفتی آمریکا از ۱۹۷۹ تاکنون حدود ۱۳۲/۵۶۷/۸۲۷/۰۰۰ بشکه بوده است که از این مقدار حدود ۵۴۰/۰۰۰/۵۸/۸۵۱ بشکه از آن از کشور عربستان وارد شده است (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۸).

در نمودار زیر (نمودار شماره ۱) سیر واردات نفت آمریکا از کشورهای مختلف از جمله عربستان و اوپک و ... ارائه شده است. همان‌طور که مشخص شده، روند واردات آمریکا تا سال ۲۰۰۵ سیر صعودی داشته، اما پس از آن، واردات نفت آمریکا روند کاهشی به خود گرفته است (همان).

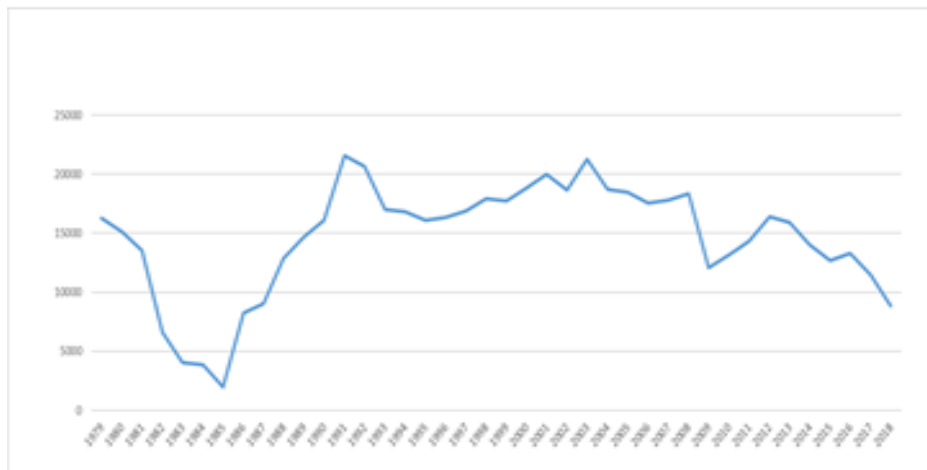


Release Date: 12/31/2018.SIII: eia . us .energy information administration

نمودار ۱. وضعیت واردات نفت آمریکا



همان‌طور که در سطور قبلی مطرح شد، واردات نفت آمریکا یک روند نزولی داشته است. به تبع آن، عربستان سعودی به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین عضو سبد تامین نفت آمریکا متاثر از این رویکرد بوده است. نمودار شماره ۲ کاهش تمایل آمریکا برای واردات نفت عربستان را نشان می‌دهد. صرف‌نظر از همه‌افراز و نشیب‌های موجود در این نمودار، به‌نظر می‌رسد از سال ۲۰۱۲ روند کاهش واردات نفت عربستان شتاب بیشتری گرفته است.



U.S. Imports from Saudi Arabia of Crude Oil and Petroleum Products (Thousand Barrels per Day) Source: eia . us .energy information

نمودار ۲. روند واردات نفت آمریکا از عربستان

بررسی میزان واردات نفتی آمریکا در پنج سال گذشته نشان می‌دهد کاهش واردات نفت آمریکا از عربستان با کاهش کلی واردات نفت آمریکا تناسب ندارد. به این معنی که میزان واردات نفت آمریکا از عربستان کاهش شدیدتری نسبت به کل کاهش واردات نفت آن کشور داشته است. آمریکا از سال ۲۰۱۴ تا پایان ۲۰۱۸ به ترتیب: ۳/۳۷۲/۹۰۴/۰۰۰، ۳/۴۴۸/۷۳۴/۰۰۰، ۳/۶۸۰/۲۲۷/۰۰۰، ۳/۷۰۲/۶۴۰/۰۰۰، ۳/۰۶۷/۶۸۲/۰۰۰ بشکه نفت خام وارد کرده است (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۷). ارقام مذکور بیانگر این نکته می‌باشد که آمریکا واردات نفتی خود را به میزان خیلی زیاد کاهش نداده است، بلکه رویکردی اتخاذ نموده که نتیجه آن کاهش واردات نفت از عربستان در طول یک برنامه زمانی است. جدول زیر (جدول شماره ۱) نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۰ نیز واردات نفت آمریکا از کانادا نسبت به سایر کشورها بیشتر بوده است. اما نکته قابل‌ملاحظه در این خصوص این است که آمریکا هم‌زمان با کاهش واردات نفت از عربستان، واردات نفت از کانادا را افزایش داده است.

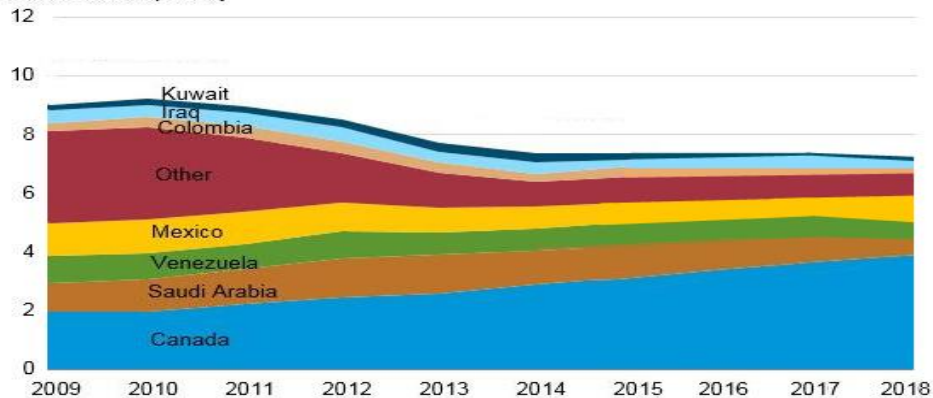
جدول ۱. درصد واردات نفت آمریکا از کشورهای مختلف

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵
عربستان	۵۷۵	۵۶۱	۴۰۰	۳۸۶
عراق	۲۲۷	۱۹۴	۱۵۲	۸۳/۷
کانادا	۶۶۱	۷۹۶	۹۲۵	۱/۳۷۰

نمودار زیر به خوبی روند جایگزینی نفت کانادا به جای نفت عربستان توسط ایالات متحده آمریکا را طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

Figure 6. U.S. crude oil imports

million barrels per day



Source: U.S. Energy Information Administration

نمودار ۳. سهم کشورهای مختلف از صادرات نفت به آمریکا

بررسی جایگاه تسلیحات آمریکایی برای سعودی‌ها

همان‌طور که قبلاً نیز مطرح شد، ماهیت رابطه ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی از ابتدا حول محور نفت - امنیت بوده است. به زعم حاکمان سعودی بخشی از امنیت حاصله برای عربستان با خرید تسلیحات تکمیل می‌شود. در این قسمت با ذکر آمار و ارقام رسمی و در دسترس به شناخت تغییر و تحولات خرید و فروش تسلیحات بین آمریکا و عربستان پرداخته می‌شود. علاوه بر آمریکا سه کشور دیگری که به ترتیب بزرگترین فروشندگان تسلیحات به عربستان می‌باشند، در جدول زیر (جدول شماره ۲) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. سهم فروش تسلیحات کشورهای مختلف به عربستان

درصد سهم	مقدار سهم	هزینه کل (میلیارد دلار)	دوره	صادرکننده	واردکننده
٪۶۴.۴۶	۲۷/۶۰۴	۴۲/۸۲۰	۱۹۷۹-۲۰۰۸	آمریکا	عربستان
٪۹۳.۳۵	۱۲۰/۳۹۱	۱۲۸/۹۶۷	۲۰۰۹-۲۰۱۸		
٪۱۳.۶۱	۵/۸۲۹	۴۲/۸۲۰	۱۹۷۹-۲۰۰۸	انگلیس	عربستان
٪۳.۹۱	۵/۰۵۳	۱۲۸/۹۶۷	۲۰۰۹-۲۰۱۸		
٪۱۶	۶/۸۶۴	۴۲/۸۲۰	۱۹۷۹-۲۰۰۸	فرانسه	عربستان
٪۰.۵۸	۷۵۹	۱۲۸/۹۶۷	۲۰۰۹-۲۰۱۸		
٪۱.۱۳	۴۸۶	۴۲/۸۲۰	۱۹۷۹-۲۰۰۸	کانادا	عربستان
٪۰.۱	۲۸۳	۱۲۸/۹۶۷	۲۰۰۹-۲۰۱۸		

Source: SIPRI Arms Transfers Database, Generated: 16 January 2019

بر مبنای اطلاعات رسمی، هزینه خریدهای نظامی عربستان از ۱۹۷۹ تا پایان ۲۰۱۸ بیش از یکصد و هفتاد و یک (۱۷۱/۷۸۳) میلیارد دلار بوده است. میزان واردات عربستان از آمریکا در این مدت بیش از صد و چهل و هفت (۱۴۷/۹۹۵) میلیارد دلار بوده است (موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم^۱ - پایگاه اطلاعات انتقال اسلحه: ۲۰۱۸).

البته به ارقام فوق باید موافقت‌نامه جدید تسلیحاتی آمریکا و عربستان را که بزرگ‌ترین موافقت‌نامه تسلیحاتی در تاریخ روابط دو کشور محسوب می‌گردد، نیز مزید نمود. در خلال سفر ترامپ به عربستان، موافقت‌نامه جدیدی در خصوص فروش تسلیحات امضاء شد. ارزش این معاملات بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار است. این معامله درصدد برطرف نمودن نیازهای عربستان در زمینه امنیت ساحلی و دریایی، آموزش نیروی هوایی، امنیت سایبری، روزآمد نمودن ارتباطات، دفاع موشکی و هوایی و توانمندی ضد تروریسم است. عمده خریدها شامل سلاح‌های متعارف سنگین مانند هوایمای جنگی خودروهای زرهی و سامانه‌های موشکی بوده است (Thomas, 2017: 11).

همانطور که در جدول شماره ۲ بیان شد، بخش عمده‌ای از واردات نظامی عربستان توسط آمریکا تامین شده است. طبق جدول از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸ آمریکا به‌صورت میانگین ۶۴ درصد از تسلیحات خریداری شده عربستان را تامین کرده است. اما از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ آمریکا با جهشی

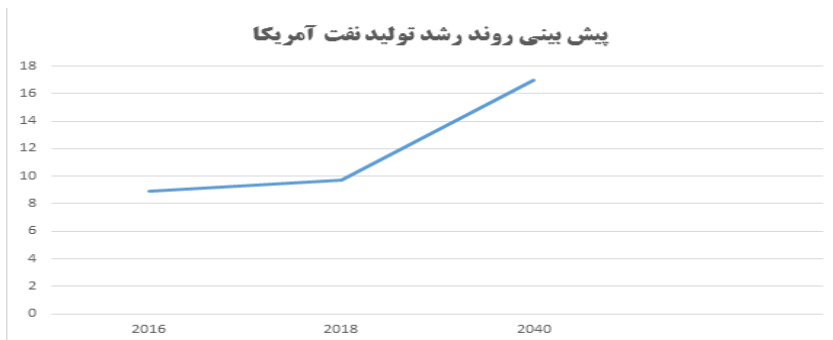
صعودی تامین‌کننده ۹۳ درصد تسلیحات سعودی‌ها شده است. این ارقام بیانگر رشد ارزش تسلیحات در روابط دو کشور می‌باشد.

دلایل روند کاهشی میزان واردات نفت آمریکا از عربستان

در بخش قبلی با استفاده از آمار و داده‌های رسمی، به توصیف وضعیت نفت و تسلیحات در روابط دو کشور ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی پرداخته شد. آمارها نشان می‌دهد میزان واردات نفت آمریکا از عربستان رو به کاهش است که این مسئله ناشی از چند عامل است:

الف) افزایش تولید نفت و گاز آمریکا

بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا تولید نفت خام آمریکا از ۸/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۶ به ۹/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود تولید نفت خام این کشور در سال ۲۰۴۰ به ۱۷ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۸). در یک دهه قبل با توجه به هزینه‌های بالای تولید نفت شیل، تولید این نفت تنها در قیمت‌های بالا به‌صرفه بود؛ با بالا رفتن قیمت نفت، تولید این محصول نیز رونق گرفت. اولین حرکت عربستان در برابر افزایش تولید نفت خام آمریکا، کاهش قیمت نفت به کمک افزایش تولید بود. این کار باعث می‌شد که تولید نفت شیل آمریکا به‌صرفه نباشد و تولید آن متوقف شود؛ اما در سال‌های اخیر هزینه تولید این نفت کاهش چشم‌گیری یافت و تولید آن را حتی در قیمت پایین نیز به‌صرفه کرد (شانا، ۱۳۹۶)؛ لذا با این اوصاف تولید نفت شیل آمریکا، وابستگی این کشور را به منطقه خاورمیانه و به‌خصوص عربستان طی سالیان آتی کاهش خواهد داد. کما اینکه این کاهش وابستگی شروع شده است و اثر خود را در آمار واردات نشان داده است. نمودار زیر (نمودار شماره ۴) گویای پیش‌بینی افزایش رشد تولید نفت آمریکا می‌باشد.

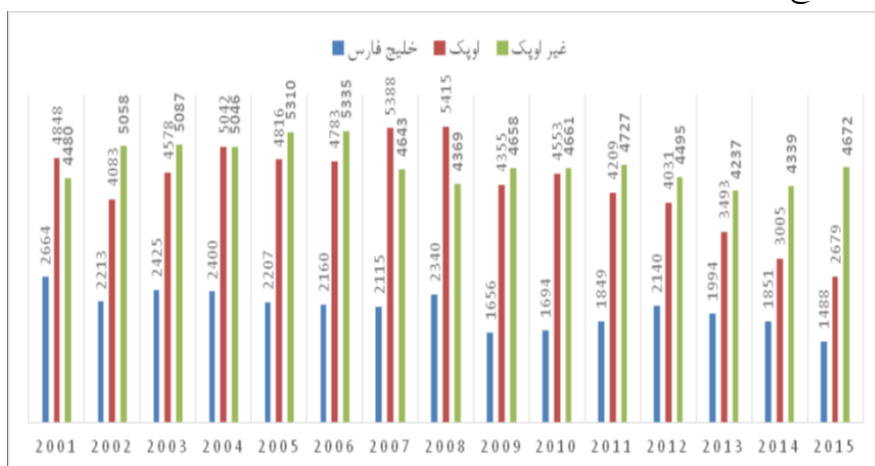


نمودار ۴. پیش‌بینی روند رشد تولید نفت آمریکا



ب) تنوع سبد خرید

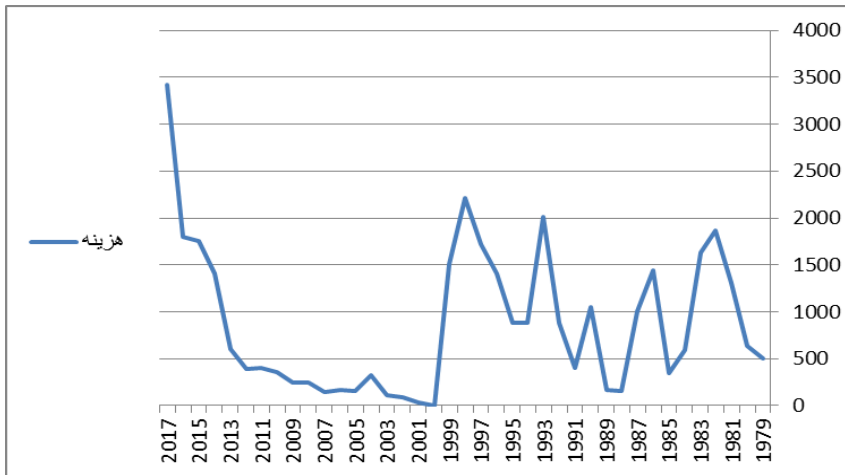
کارشناسان آمریکایی برای کاهش آسیب‌پذیری این کشور در برابر تحولات تاثیرگذار بر نفت خلیج فارس و نیز به‌علت مسائل امنیتی و بی‌ثباتی در کشورهای منطقه و همچنین بعد از تحریم‌های نفتی و سپس حوادث یازده سپتامبر، راهکارهای متعددی را مطرح کرده‌اند که تنوع بخشی به منابع متعدد نفت و گاز یکی از آنها است. نمودار زیر (نمودار شماره ۵) نشان می‌دهد که آمریکا روند کاهش واردات نفت از اوپک و خلیج فارس را درپیش گرفته و از ۲۰۰۹ به بعد، مقدار واردات نفتی اوپک و خلیج فارس خود را کاهش داده است.



Source: U.S. Energy Information Administration

نمودار ۵. مقایسه روند واردات نفت آمریکا از بخش‌های مختلف

در خصوص تغییر یا ثبات در رویکرد عربستان برای خرید تسلیحات نظامی، به نظر می‌رسد آمریکا کماکان گزینه اول برای خرید تسلیحاتی سعودی‌ها می‌باشد. با توجه به آمارهای رسمی که از خریدهای تسلیحاتی عربستان وجود دارد، این نکته قابل ذکر است که روندها نشان می‌دهد میزان هزینه‌ای که عربستان برای خرید تسلیحات از آمریکا صرف کرده است، از سال‌های ۲۰۰۸ یک سیر صعودی پرشیب می‌باشد. نمودار زیر (نمودار شماره ۶) که از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۷ را دربر می‌گیرد، به خوبی نشان داده است که چگونه در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میزان فروش تسلیحات آمریکا به عربستان به حداقل رسیده و از سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ این روند سیر صعودی یافته و کماکان نیز این حالت را حفظ کرده است.



Source: SIPRI Arms Transfers Database, Generated: 22 January 2019

نمودار ۶. روند میزان خرید تسلیحات عربستان از آمریکا

مشاهده این روند و همچنین برنامه‌هایی که دولت عربستان در این خصوص ترسیم نموده، مسیر تامین تسلیحات سعودی‌ها را مشخص می‌کند. «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان در نوامبر ۲۰۱۸ بیان کرده بود «دو سال قبل عربستان سیاست خرید اسلحه از دیگر کشورها را دنبال می‌کرد، اما پس از به قدرت رسیدن ترامپ تصمیم گرفته شد ۶۰٪ سلاح‌های مورد نیاز این کشور از آمریکا خریداری شده و ۴۰٪ دیگر در داخل عربستان با استفاده از فناوری‌های آمریکایی تولید شود و عربستان ۴۰۰ میلیارد دلار را به این طرح تخصیص داده است» (خبرگزاری اسپوتینگ، ۲۰۱۸). در جدول زیر (جدول شماره ۴) ارزش مبادلات نفتی و تسلیحاتی عربستان و آمریکا به دو دوره تقسیم شده است. مقایسه درصد سهم آمریکا و عربستان در خرید نفت و تسلیحات نشان می‌دهد آمریکا واردات نفتی خود از عربستان را به مقدار زیادی کاهش داده و هم‌زمان فروش تسلیحات به عربستان را به شدت افزایش داده است.

جدول ۴. میزان مبادلات نفت و تسلیحات بین ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی

نوع کالا	ارزش کل مبادلات	دوره زمانی	سهم هر دوره	نسبت هر دوره
نفت	۱۳۲/۵۶۷/۸۲۷	۱۹۷۹-۲۰۰۸	۹۵/۰۷۲/۴۸۱	٪۷۱
		۲۰۰۹-۲۰۱۸	۳۷/۴۹۵/۳۴۶	٪۲۸
تسلیحات	۱۷۱/۷۸۳	۱۹۵۰-۲۰۰۸	۲۷/۶۰۴	٪۱۶
		۲۰۰۹-۲۰۱۸	۱۲۰/۳۹۱	٪۷۰



نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، این است که مقوله نفت و امنیت برای هر دو کشور شامل مولفه‌هایی می‌باشد. نفت عربستان برای ایالات متحده علاوه بر تأمین نیاز نفتی دارای نقش تنظیمی در مدیریت روندها و قیمت‌ها در بازار جهانی نفت است که این جایگاه به شدت مورد توجه دولت آمریکا می‌باشد. به طور مثال دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در پاییز ۲۰۱۸ از عربستان و دیگر کشورهای بزرگ صادرکننده نفت خواسته بود تا سطح تولید نفت خود را یک میلیون بشکه در روز افزایش دهند. این درخواست در پی رسیدن قیمت بنزین در آمریکا به بالاترین سطح خود در سه سال گذشته ارائه شده بود (بلومبرگ، ۲۰۱۸).

همچنین در خصوص امنیت عربستان می‌توان گفت که تسلیحات، بخشی از دغدغه امنیتی سعودی‌ها را پوشش می‌دهد؛ اما بخش دیگر به توانمندی بهره‌برداری از این تسلیحات، مشارکت آمریکا در ائتلاف‌های نظامی مدنظر عربستان و حمایت سیاسی و همکاری نظامی بستگی دارد. عدم‌اعتنای دولت آمریکا به درخواست عربستان برای حمله به سوریه در سال ۲۰۱۳ میلادی، عدم‌حمایت نظامی مورد انتظار عربستان از آمریکا در جنگ یمن، اختلاف‌نظر در مورد مصر و قطر و مذاکرات هسته‌ای دولت اوباما با جمهوری اسلامی ایران مواردی بوده و هست که تردید سعودی‌ها را در تعهد آمریکا به حفظ امنیت کشورشان موجب شده است.

از سوی دیگر، آمریکا بعد از به قدرت رسیدن اوباما در سیاست‌های خود در قبال خاورمیانه بازبینی کرده و دخالت و حضور مستقیم نظامی جای خود را به جنگ نیابتی و حمایت از متحدان منطقه‌ای داده است (حشمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۰). حتی سیاست دولت ترامپ هم به‌خصوص در این منطقه تاکنون مبتنی بر مدیریت هزینه‌ها و افزایش درآمدها بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی، استخراج و سپس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از منابع رسمی، در خصوص وضعیت و روندهای مربوط به واردات و صادرات نفت و تسلیحات آمریکا و عربستان حاکی از آن است که فرضیه مطرح شده در ابتدای پژوهش تا حد زیادی اثبات شده است؛ به این معنی که آمریکا ترجیح داده است که رابطه نفت در برابر امنیت (یا همان حامی - پیرو) را به سمتی هدایت کند که در انتهای این مسیر از وابستگی نفتی به عربستان رهایی یابد و محوریت رابطه را به سمت تامین تسلیحات عربستان در ازای تامین ثبات در بازار انرژی سوق دهد.

همانطور که آورده شد رابطه میان آمریکا و عربستان از ابتدا بر اساس معادله نفت در برابر امنیت بنا

شده بود. از یک طرف آمریکا نیازمند نفت عربستان و نقش این کشور در بازار انرژی بوده و از طرف دیگر عربستان نیز به دلایل امنیتی و ساختار حکومتی خود نیازمند حمایت آمریکا بوده است. مقوله نفت و امنیت برای هر دو کشور شامل مولفه‌هایی می‌باشد. نفت عربستان برای ایالات متحده داری دو نقش است: یکی تأمین نیاز نفتی آمریکا و دیگری ظرفیت و جایگاه عربستان در مدیریت روندها و قیمت‌ها در بازار نفت. در حال حاضر به دلیل افزایش تولید نفت شیل، ارزش نقش اول برای آمریکا کاهش پیدا کرده است. اما نقش دوم همچنان برای آمریکا ارزشمند است و شواهد نیز کاملاً موید آن است.

در موضوع امنیت باید گفت هزینه‌های امنیتی آمریکا در منطقه شامل هزینه حضور نظامی و امنیتی، هزینه مقابله با تهدیدهای امنیتی مشترک با عربستان و هزینه حمایت از خانواده پادشاهی سعودی به‌عنوان حاکمان ریاض می‌باشد. این هزینه برای سعودی‌ها شامل خرید سلاح از آمریکا و همچنین تأمین بخشی از هزینه‌های امنیتی آمریکا در منطقه می‌باشد. در حال حاضر تحولات ایجاد شده باعث تغییر این وضعیت شده است:

- آمریکا هزینه‌های امنیتی خود را در منطقه کاهش داده است.

- خواهان افزایش مشارکت عربستان در هزینه مقابله با تهدیدها در منطقه می‌باشد.

- خواهان افزایش خرید تسلیحاتی عربستان می‌باشد.

با توجه به سوابق تاریخی، به نظر می‌رسد دو دلیل عمده برای آمریکا وجود دارد که از تحول در رابطه خود با عربستان استقبال کند. اول افزایش تولید داخلی و تلاش جهت خودکفایی در تأمین انرژی و همچنین کاهش وابستگی خود به نفت عربستان و خاورمیانه. دوم تغییر نقش عربستان در راستای اهداف و نیت خود از تأمین‌کننده نفتی به تنظیم‌کننده بازار انرژی. در بطن این تغییر نقش، هدف دیگر آمریکا نیز محقق می‌گردد و آن ادامه روند فروش تسلیحات به عربستان و حتی افزایش چشمگیر آن (طبق آمار رسمی) می‌باشد. بدین ترتیب آمریکا با اقداماتی که انجام داده است، در نهایت جایگاه خود را در رابطه حامی - پیرو یک پله ارتقاء خواهد داد و هم‌زمان جایگاه عربستان را به دلیل رفع وابستگی از منابع نفتی انبوهش، یک پله تنزل خواهد داد.

نقش عربستان به‌عنوان یک تولیدکننده بزرگ نفت با ذخایر فوق‌العاده نفتی، سردمداری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و جایگاه نافذ در بین کشورهای مسلمان، به‌خوبی آمریکا را به این مسئله واقف کرده است که تبعات کنار گذاشتن عربستان به‌صورت ناگهانی و یک‌جانبه، تأمین منافع ملی‌شان را در منطقه خاورمیانه دچار چالش می‌کند.

عربستان نیز با درک این واقعیت که نیازمندی نفتی آمریکا از آن کشور رو به کاهش است، تلاش دارد توجه دولت مردان آمریکایی را با افزایش سفارش خرید تسلیحات جلب نماید. بنابراین برنامه افزایش خرید سلاح از آمریکا توسط عربستان در چارچوب سیاست حفظ و تحکیم روابط و جلب حمایت این کشور از رفتار تهاجمی سعودی‌ها و نادیده گرفتن جاه‌طلبی منطقه‌ای آنان متصور است.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- اسدی، بیژن (۱۳۸۰). «پرونده عربستان سعودی: مردم، قدرت، سیاست»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه. شماره ۲۷، صص ۳۴۲-۳۳۳.
- آقایی، داود (۱۳۶۸). سیاست و حکومت در عربستان سعودی. تهران: نشر کتاب سیاسی.
- امیری، مجتبی (۱۳۷۳). «ریچارد نیکسون و رویای رهبری آمریکا در جهان»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هشتم. شماره ۷ و ۸، صص ۳۶-۳۰.
- جعفری‌ولدانی، اصغر؛ آسمانی، حدیث (۱۳۹۶). «بررسی روابط نظامی عربستان و آمریکا و نقش آن در کنشگری منطقه‌ای عربستان»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال اول، شماره دوم، صص ۹۳-۱۱۵.
- حشمت‌زاده، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۷). «سیاست‌های منطقه‌ای ستیزه‌جویانه عربستان سعودی در قبال ج.ا.ایران (۲۰۱۷ - ۲۰۰۳) دلایل، اهداف و پیامدها»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهفتم، شماره ۸۸، صص ۱۵۹-۱۳۳.
- الرویلی، علی‌بن هلول (۱۴۳۰). الأمن الوطني السعودي: آفاق استراتیجیه برؤیا مستقبلیه، ریاض: نشر بیسان.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۷۷). شبه جزیره العرب فی عهد الملك عبدالعزیز، بیروت: دارالعلم للملایین.
- سعید، محمدعلی (۱۳۶۸). بریتانیا و ابن سعود، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- طاهری، مهدی (۱۳۹۳). بررسی علل تداوم قدرت در رژیم‌های استبدادی خاورمیانه (مطالعه موردی: عربستان سعودی)، رساله دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- القحطانی، فهد (۱۹۸۸). الیمانی و آل سعود؛ نطق و فضائح، بیروت: دارالصفاء.
- محمدی‌پیروزیان، الهه؛ آدمی، علی (۱۳۹۰). «راهبرد امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال عربستان سعودی در دوران پسا جنگ سرد»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۷۹-۵۱.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۵). شناسایی کشورها: تحولات تاریخی و مسائل سیاسی جهان معاصر، تهران: نشر پایدار.
- نادعلی، محمد؛ نصیری، سمیرا (۱۳۹۴). «صنعت نفت و گاز شیل: فرصت یا تهدید»، فصلنامه

روند، سال بیست و دوم، شماره ۲۷، صص ۱۵۴-۱۲۹.

(ب) منابع انگلیسی

- Aarts, Paul, (2007). The Longevity of the House of Saudi: in Oliver Schlumberger, "Debating Arab authoritarianism: dynamics and durability in nondemocratic regimes", Stanford University press, pp 297-335.
- Chandavarker, Sumeeta shyamsunder, (1997). Patron-client ties and Maoist rural China, Canada: Simon Fraser University.
- Cordesman ,Anthony H, (2014). Aram Nerguizian , The Gulf Military Balance in 2014: An Overview , CSIS, 88 April,s. 81.
- EIA, (2015), Short-Term Energy Outlook, January.
- Grayson, Benson lee, (1982). Saudi–American Relations, Washington D. C, University Press of American.
- Islam Y. Qasem ,(2016). Oil and Security Policies: Saudi Arabia, 1950-2012, Brill Press.
- Landé, Carl H, (1997). The Dyadic Basis of Clientelism, in S. W. Schmidt. (Editor). Friends, Followers and Factions: A Reader in Political Cli.
- Rachel Bronson, (2006). Thicker Than Oil: America's Uneasy Partnership with Saudi Arabia, Oxford University Press.
- Richard Sokolosky and Others, (2001). "Persian Gulf Security Improving Allied Military Contributions", Santa Monica: RAND.
- SIPRI Arms Transfers Database at:<https://www.sipri.org>.
- Sokolsky, Richard & Jeremy Shapiro (2016). What A Real Review of U.S.Military Assistance To Audi Arabia Would Say, warontherocks, available:<https://warontherocks.com/2016/10/what-a-real-review-of-u-s-military-assistance-tosaudi-arabia-would-say>.
- Stephen, Zunes,(2003). A time to question the Us role in Saudi Arabia, May 20, at: www.commondemands.org.
- Thomas ,Clayton,(2017). Arms Sales in the Middle East: Trends andAnalytical Perspectives for U.S. Policy, Congressional Research Service, available: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44984.pdf>.
- Wilson, Scott, (2003). King Abdullah Greets Obama in Saudi Arabia, The Washington Post.

Archive of SID